

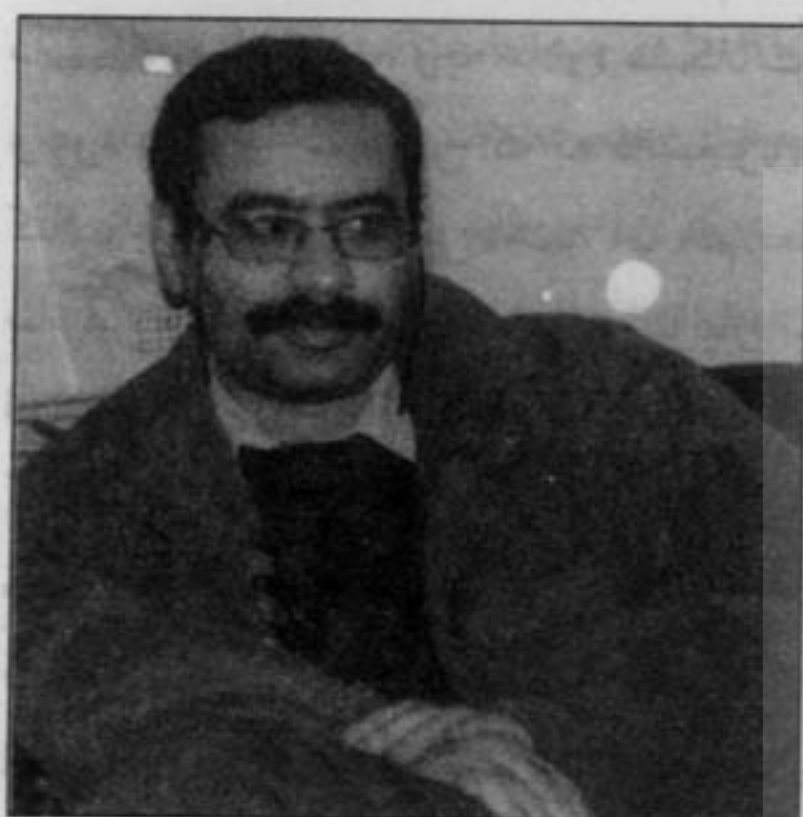


گفتگو با محققان و پژوهشگران کتابخانه شماره ۲۵

ب - مصاحبه با

فرید قاسملو

احسان اله شکرالهی



امادر مورد خاورمیانه که عرض کردم این طور به نظر می رسد که کشورهای خاورمیانه تولید کننده درجه یک علم به حساب نمی آیند و عموماً مصرف کننده علم هستند. ایران شناسی هم قاعدتاً باید در ایران انجام شود و هیچ

کتابخانه دیگری را در خاورمیانه نمی شود برشمرد که این قدر منطقی و علمی به پدیده ایران شناسی پرداخته باشد.

اما اگر بخواهیم از این کتابخانه به عنوان یکی از بهترین کتابخانه های پارلمان های کشورهای جهان سوم دفاع بکنیم، باید بگوییم: به خاطر این که رییس و بنیانگذاران کتابخانه مجلس سنا، کتاب شناس به معنی دقیق کلمه بودند. فرآیند انتخاب، سفارش، خرید ورده بندی کتاب های این کتابخانه براساس رده بندی کنگره به دقت و کاملاً منطقی و عاقلانه انجام شده است. شاید از نظر کمیت، کتابخانه شماره دو مجلس شمار زیادی کتاب نداشته باشد. اما موضوعیت این کتابخانه و هدف مندی موضوع آن باعث شده که به صورت کتابخانه ای عالی در بیاید. من می خواهم به عنوان جمع بندی بگویم: کار ایران شناسی بدون توجه به گنجینه ارزشمند کتابخانه شماره دو مجلس کار ناقص و ابتری است.

س - لطفاً در مورد سابقه تاسیس این کتابخانه و سیر تحولش هم اگر اطلاعاتی دارید مطالبی را بفرمایید.

ج - برابر آنچه که من بر حسب علاقه نسبت به این کتابخانه دریافته ام، سابقه پیدایش کتابخانه شماره دو همان سابقه پیدایش

س - جناب آقای قاسملو! قبل از هر چیز تشکر می کنم که دعوت ما را برای انجام مصاحبه پذیرفتید. همان طور که مستحضرید کتابخانه شماره دو یکی از کتابخانه های تخصصی در حوزه ایران شناسی و اسلام شناسی است و محققین زمانی که می خواهند پیرامون موضوع تاریخ علم تحقیق کنند معمولاً این کتابخانه را از نظر دور نمی دارند. شما به عنوان یکی از مراجعین همیشگی این کتابخانه مجموعه منابع آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج - اولاً خیلی متشکرم که این فرصت را در اختیار من قرار دادید. طی چند روز گذشته موضوع کتابخانه شماره دو مجلس برای من یک دغدغه بوده، که عاقبت این کتابخانه چه می شود؟

در پاسخ به سوالتان باید عرض بکنم بله، کلیات فرمایشات شما کاملاً درست است. کتابخانه شماره دو مجلس کتابخانه ای تخصصی در حوزه ایران شناسی و اسلام شناسی به حساب می آید. من به خودم جرأت می دهم و می گویم که بهترین کتابخانه تخصصی ایران شناسی و اسلام شناسی در ایران، بهترین کتابخانه ایران شناسی در خاورمیانه، و یکی از بهترین کتابخانه های مجلس در میان کتابخانه های مجالس در جهان سوم است. حالا چرا عرض کردم در خاورمیانه یا ابتدا در ایران؟ ما کتابخانه بزرگتر از کتابخانه شماره دو مجلس داریم: کتابخانه ملی، بخش ایران شناسی کتابخانه ملی، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی (ره) در قم، و در این اواخر هم کتابخانه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی که در نوع خودش یکی از بزرگترین کتابخانه های ایران به حساب می آید. اما مساله این است که هیچ کدام از این کتابخانه ها با گرایش صرف ایران شناسی و اسلام شناسی پدید نیامده است.

دوم این که در هیچ برهه ای از تاریخ، یک ایران شناس خبره مسئول این کتابخانه ها نبوده است. در حالی که در مورد کتابخانه شماره دو مجلس یا به تعبیر قبل، کتابخانه مجلس سنا این طور بوده.



مجلس سنا است. یعنی بعد از این که مجلس سنا در ایران به وجود آمد، بلافاصله به عنوان یک الزام، موضوع به وجود آمدن کتابخانه مجلس سنا مطرح بود. به عنوان یک قانون که هر مجلسی باید یک کتابخانه داشته باشد. البته این قانون بین المللی است و فقط مربوط به کشور ما نیست. پس کتابخانه مجلس سنا به وجود آمد، شبیه اتفاقی که در مجموعه بهارستان برای کتابخانه شماره یک مجلس اتفاق افتاد، که اول پارلمان به وجود آمد و بعد کتابخانه پارلمان. این موضوع طبیعی است. خلاصه کتابخانه سنا اواسط دهه سی شمسی اگر اشتباه نکنم به وجود آمد.

زمان تاسیس کتابخانه سنا هم مقارن زمانی بود که سید حسن تقی زاده سناتور بود. تقی زاده اولین رییس سنا بود و با استفاده از نفوذ خودش ترتیب تشکیل کتابخانه سنا را داد. در همان موقع کسانی که در کتابخانه بهارستان یعنی کتابخانه مجلس شورا بودند، این به فکرشان افتاده بود که چه طور می توانند کتابخانه را از جهت بین المللی تقویت کنند. نه با مرکزیت تقی زاده، بلکه با حمایت تقی زاده. قرار بر این شد که از طریق وزارت امور خارجه وقت با تمام سفارتخانه ها و نمایندگی های ایران در خارج از کشور تماس بگیرند و از آنها بخواهند هر کتابی که در مورد ایران شناسی وجود دارد تهیه شود و به ایران فرستاده شود، و این نگرش کاملاً منطقی و درست باعث شد که کتاب هایی در همین ارتباط وارد ایران شد که منحصر بود، و تا موقعی که کسی مطلع نمی شد که این کتاب در کتابخانه مجلس وجود دارد، هیچ نسخه دیگری از آن در ایران شناسایی نشده بود. از این موارد به ویژه خیلی کتاب ها را می توانم نام ببرم، چون کم و بیش با مجموعه این کتابخانه آشنا هستیم. یک نمونه خیلی روشنش شاهنامه بسیار مشهور موسوم به «شاهنامه ژول مول» است، که براساس نسخه ای که در کتابخانه مجلس سنا وجود دارد در ایران منتشر شد. تقریباً در اواسط دهه پنجاه انتشارات امیرکبیر، با کتابخانه سنای وقت تماس گرفت، آن یک نسخه

منحصر در کتابخانه سنا را به انتشارات امیرکبیر بردند، عکس گرفتند و به صورت جیبی منتشر کردند.

س - چاپ عکسی کردند؟

ج - نخیر دوباره حروف چینی کردند، البته نه همه آن را؛ چون آن شاهنامه یک صفحه فارسی و یک صفحه فرانسه بود. فقط بخش فارسی را منتشر کردند. پس می شود این طور نتیجه گرفت که اگر شما الان به کتابفروشی ها می روید و شاهنامه های فراوانی را می بینید به تصحیح ژول مول که متعدد هم چاپ شدند، تمام آنها از یک نسخه سنا نشأت گرفتند. همین اتفاق در مورد کتاب «فرهنگ شاهنامه ولف» اتفاق افتاد. از آن کتاب هم تا قبل از انقلاب تنها یک نسخه در ایران بود آن هم در کتابخانه سنا که بعداً در انتشارات اساطیر یک کپی از کتاب گرفتند و کتاب را چاپ کردند.

س - کاری را که مرحوم زریاب خوبی و دکتر جهاننداری به عنوان افرادی شاخص در کتاب شناسی و تحقیق در کتابخانه شماره دو مجلس انجام دادند از جهت فراهم آوری و اشاعه اطلاعات چگونه ارزیابی می کنید.

ج - این مختص به مرحوم زریاب یا دکتر جهاننداری نیست. از همان سید حسن تقی زاده شروع شد. یعنی نگرش تقی زاده به عنوان یک کتاب شناس و کسی که با کتاب و کتابخانه های اروپا آشنا بود اقتضا می کرد سعی در جلب کسانی داشته باشد که واقعاً از پس تهیه مخزنی برای ایران شناسی در بیاید. به همین خاطر ابتدا مرحوم زریاب و پس از ایشان جناب آقای جهاننداری جذب کتابخانه مجلس شدند، و طبیعی است که شروع کردند به تماس گرفتن با مراکز مهم و کتابخانه های شرقی در سوئیس، آلمان و هلند. بعد هم تصمیم گرفتند کتاب ها خیلی منطقی وارد بشود و بلافاصله سازماندهی شود. در شرایطی که تا آن زمان در کتابخانه های ایران این اتفاق به ندرت افتاده بود. شما خودتان بهتر می دانید که در بهارستان چندین هزار کتاب صرفاً با شماره ثبت در مخزن قرار گرفته و هنوز رده بندی نشده، بنابراین نقش این سه نفر، به ویژه نقش مرحوم زریاب خوبی و تقی زاده را باید خیلی متمایز کرد در بنیان کتابخانه سنا.

س - بعد از انقلاب در واقع سال ۶۳ بود که مجموعه کتابخانه سنا به عنوان کتابخانه شماره دو مجلس نام گذاری شد، و دوباره به حیات خودش ادامه داد. در این فاصله رشد این مجموعه و خدمات دهی به محققین را چگونه دیدید؟ ضمن این که پیش از انقلاب آیا اصلاً محققین به کتابخانه سنای سابق راه داشتند یا این که کتابخانه صرفاً در اختیار سناتورها بود؟

ج - بله سوال خیلی مهمی است. البته پاسخ این سوال را من براساس شنیده های خودم عرض می کنم، چون طبیعی است که من نمی توانم از حال و هوای مراجعین به کتابخانه قبل از انقلاب

تصور دقیقی داشته باشم. بله من هم شنیده‌ام که پیش از انقلاب این کتابخانه فقط مورد استفاده سناتورها بوده. مرحوم زریاب زندگی نامه خودنوشتی تهیه کرده بود که به چاپ هم رسیده، ایشان در آنجا یک چنین اشاره‌ای دارند. ایشان در آن موقع در کتابخانه سنا کار می‌کردند و کتابخانه سنا فقط مورد استفاده سناتورها بود. اما پس از انقلاب (که اتفاقاً آشنایی من هم با کتابخانه سنا در این دوره یعنی از سال ۶۶-۱۳۶۵ است) اتفاق مهمی که افتاد، یکی انتقال نسخه‌های خطی کتابخانه سنا به شورا بود که در نوع خودش کار کاملاً منطقی و قابل دفاعی بود. چون کتابخانه شورا وضع بهتری داشت؛ یعنی سرپرستی کتاب‌های خطی را داشت. این یک طرف قضیه است. طرف دیگر قضیه بهینه سازی کتابخانه یا تجدید قوا و وسعت آن پس از انقلاب است. این نکته‌ای است که متأسفانه به صورت کامل رخ نداد. در زمینه کتاب‌های مرجع و کتاب‌هایی که مسلسل چاپ می‌شوند انواع دائرةالمعارف‌ها و انواع کتاب‌ها، لازم است که تکمیل شوند. البته در مورد مجلات این سیر ادامه داشت. یعنی بعد از انقلاب نشریات خارجی همچنان تهیه شدند و به کتابخانه سنا افزوده شدند؛ اما در مورد کتاب‌های ایران‌شناسی که بسته و گریخته در جهان چاپ می‌شدند این طور نیست. یعنی با مراجعه چند باره شخصی که به صورت ممتد از این کتابخانه استفاده کند، درباره یک موضوع خاص متوجه می‌شود که اهم منابع مربوط به پیش از انقلاب است و کمتر منبعی به زبان فرنگی وجود دارد که بعد از انقلاب در این کتابخانه تهیه شده باشد. البته این خلایی نیست که هنوز هم نشود جبران‌ش کرد.

س - پیشنهاد شما برای این که کتابخانه بتواند به محققین حوزه ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی و شرق‌شناسی خدمات بهتری ارائه بکند چیست؟

ج - ارائه اطلاعات مورد نیاز به مراجعه کننده به کتابخانه همان وظیفه کتابخانه است. یعنی طبیعی است که مهم‌ترین وظیفه کتابخانه این است که بهترین خدمات را به مراجعه کننده بدهد و بهترین خدمات برای کتابخانه این است که اولاً بتواند بهتر کتابخانه را به مراجعه کننده معرفی نماید. ثانیاً کتاب را در اختیارش قرار دهد. هر دو تای این‌ها منوط به این است که کتاب در کتابخانه موجود باشد. و این طبیعی است. بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که مهم‌ترین اتفاق در این زمینه و آنچه که من به عنوان پیشنهاد می‌توانم عرض کنم این است که کتابخانه از طریق خرید کتاب به ویژه خرید کتاب‌های خارجی تقویت شود. دوم این که با راهکارهای اداری و قانونی کتابخانه شماره دو تحت قانون واسپاری کتاب قرار بگیرد. و البته کتاب‌های خارجی هم برای تکمیل مجموعه خریداری شود، که اگر بحث بودجه وجود نداشته

باشد این کار چندان سخت هم نیست. بنابراین به عنوان جمع بندی می‌خواهم بگویم که پیشنهاد من این است که موضوع جمع آوری تحقیقات ایرانی که در غرب انجام گرفته و افزودن آنها به کتابخانه سنا یا کتابخانه شماره دو شورا، با همان جدیت مرحوم تقی زاده و مرحوم زریاب، پی‌گیری بشود.

س - به لحاظ فضای فیزیکی و به لحاظ مکان جغرافیایی محل کتابخانه را چه طور می‌بینید؟

ج - این جا دو تا بحث است. یکی «قرار گرفتن کتابخانه در تهران» و دوم موضوع «فضای کتابخانه». در مورد قرار گرفتن اش در تهران سوای این موضوع که در حال حاضر کتابخانه شماره دو جنب پارلمان و طبیعتاً یک سری مبادی حفاظتی بر آن مترتب است، به جز این مساله به نظر من از جهت فضایی، کتابخانه هیچ مشکلی ندارد. فضای کتابخانه بسیار خلوت است. به خاطر فضای آن منطقه از تهران در اطراف کاخ مرمر که در آن ساخت و سازی صورت نگرفته. وجود چنارهای سر به فلک کشیده در اطراف کتابخانه باعث می‌شود امواج صوتی به سرعت بشکند و به کتابخانه نرسد، و در عین حال مزیت مرکزیت شهر را هم دارد. در مجموع اگر ما مقایسه بکنیم کتابخانه شماره دو مجلس خیلی مهم‌تر از بسیاری از کتابخانه‌های ایران است. اما در مورد فضای خود کتابخانه، من نمی‌دانم کتابخانه در حال حاضر چه قدر جای خالی دارد و تا چه حد می‌شود به آن کتاب اضافه کرد. این کتابخانه در حال حاضر نزدیک به شصت هزار جلد کتاب و نشریه مجلد را در خود جای داده است. اما با توجه به این که کتابخانه کاملاً بکر و ناشناخته باقی مانده، باعث شده برای کسی مثل من که ایده آلس را آنجا می‌بیند محیط کاملاً مناسبی باشد و به صرف وجود دو نفر کتابدار در آنجا کار کتابخانه به راحتی انجام می‌شود. چرا؟ چونکه مراجعه کننده کم است. بنابراین ضمن این که عرض می‌کنم هر گونه اقدام برای ادغام کتابخانه دو با کتابخانه شماره یک یا هر گونه جابجایی نسنجیده لطمه‌ای برای هویت فرهنگی ایران است، امیدوارم تا



موقعی که یک برنامه ریزی کاملاً هوشمندانه صورت نگرفته است ترکیب کتابخانه دست نخورد. تا کسانی مثل من یا هر ایران شناسی دیگری که می خواهد کار ایران شناسی بکند با وقفه بسیار طولانی و نابهنجاری مواجه نشود.

س - جناب آقای قاسملو از ایام مراجعه به کتابخانه شماره دو خاطره ای دارید؟

ج - بله خیلی به این کتابخانه مراجعه می کنم. طبیعی است که به دلیل کثرت مراجعه خاطره هم پدید می آید. من افراد بزرگی در کتابخانه دیدم افرادی که آمده بودند تا کتاب مطالعه کنند، مثل مرحوم محیط طباطبایی، این یک تجربه فرهنگی است. یا موقعیت های مختلفی را دیدم در استفاده از این کتابخانه. جالب ترین آنها که برای خود من خیلی جالب و در عین تکان دهنده بود، تابستان سال ۱۳۸۱ یعنی امسال رخ داد و آن اجتماعات معلمان جلوی پارلمان بود. مقارن همان زمان من کتابخانه بودم و از محیط آرام کتابخانه که پام را گذاشتم بیرون مدتی گنگ بودم که چرا مردم شلوغ می کنند این جا کتابخانه است. برای خودش قداستی دارد.

اما مهمترین خاطره برای من این بود که بسیاری از کتاب ها را که فکر نمی کردم در ایران بشود آنها را پیدا کرد، من در این کتابخانه پیدا کردم. یعنی وقتی هدف مند با موضوع تحقیقی مشخص وارد این کتابخانه می شدم، موقعی که برگه دانه را ورق می زدم و می دیدم که کتاب مورد نظرم موجود است، با توجه به حال عمومی که بر تمام کتابخانه های سرزمین ما حاکم است، از خود می پرسیدم که آن چه آدم دانشمند دوراندیش کتاب شناسی بوده که این کتاب ها را برای کتابخانه تهیه کرده است؟

س - اگر بخواهید نکته دیگری را پیرامون کتابخانه شماره دو بفرمایید به غیر از سوالاتی که مطرح کردم آن نکته چیست؟

ج - خیلی مایلم به این موضوع تکیه کنم: نگرشی که وجود دارد مبنی بر این که ما در ایران کتابخانه درجه اولی نداریم، بنابراین به فکر بیفتیم که کتابخانه های موجود را با هم ادغام کنیم تا یک کتابخانه خوب از آن به وجود بیاید، اصلاً اندیشه درستی نیست و

به هیچ وجه هیچ کس نباید فکر بکند که این یک راه حل درستی است. این کار غیرممکن است، نه تنها در ایران بلکه در هیچ یک از کتابخانه های دیگر دنیا امکان ندارد چنین چیزی اتفاق بیفتد. بنابراین همان طور که پیش از این هم عرض کردم، حتی اگر به دلایل مختلف مثل نبود جا، نبود امکانات، نبود پرسنل، و غیره کتابخانه شماره دو مجلس رشد نکند، نگه داشتن این کتابخانه در وضع موجود لطف بزرگی برای ایران شناس ها است، و برای کسانی که در مورد ایران و ایران شناسی تحقیق می کنند.

بنابراین اگر ما به بهانه این که می خواهیم کتابخانه را روزآمد بکنیم بیاییم دست به ترکیبش بزنیم اصلاً کار درستی نیست. مثلاً بیاییم با یک کتابخانه دیگر حتی کتابخانه شماره یک مجلس ادغامش بکنیم و توقع داشته باشیم کتابخانه خوب از آب در بیاید. خیر اصلاً این طور نیست. کتابخانه شماره دو مجلس با ایده آل ها و نگرش ها و سازماندهی خاص خودش پدید آمده، بنابراین ادامه حیات آن حتی با آن صورت فعلی برای مثل منی غنیمت است. هر چند کتابخانه شماره دو در نوع خودش با کتابخانه شماره دو بودنش نواقصی هم دارد. مثلاً این که در کتابخانه شماره دو هنوز مجموعه کاملی از مذاکرات مجلس سنا وجود ندارد. که امیدوارم یک روزی این مجموعه کامل بشود. بالاخره باید در نظر گرفت که جایی برای پیدا کردن مذاکرات مجلس سنای سابق بهتر از کتابخانه سابق سنا نیست.

اما به عنوان جمع بندی عرض کنم اجازه بدهید کتابخانه شماره دو مجلس شورا با روش خودش زندگی بکند. نیاید به هوای درست کردن ابرویش چشمهایش را هم کور کنید. از شما تقاضا می کنم این اجازه را به هیچ کس ندهید که ادغام این کتابخانه در هر کتابخانه دیگری را پیشنهاد و آن را گام مثبتی تلقی نماید.

س - بلکه صحبت های شما حاکی از یک عشق و علاقه و ارتباط عمیق عاطفی با این محیط فرهنگی و علمی و عصاره اندیشه فرهیختگانی است که آثارشان در آنجا نگهداری می شود، خیلی لذات بردم و مجدداً از شما تشکر می کنم.

ج - امیدوارم همین طور باشد.

